

مجله علمی - پژوهشی برنامه‌ریزی فضایی (جغرافیا)
سال سوم، شماره سوم، (پیاپی ۱۰)، پاییز ۱۳۹۲
تاریخ وصول: ۱۳۹۲/۷/۷ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۹/۲۰
صص: ۸۷-۱۰۶

بررسی راهبردها و الزامات در الحاق شهر خوراسگان به شهر اصفهان با استفاده از مدل SWOT^(*)

مهدی ابراهیمی

استادیار گروه جغرافیا دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

چکیده

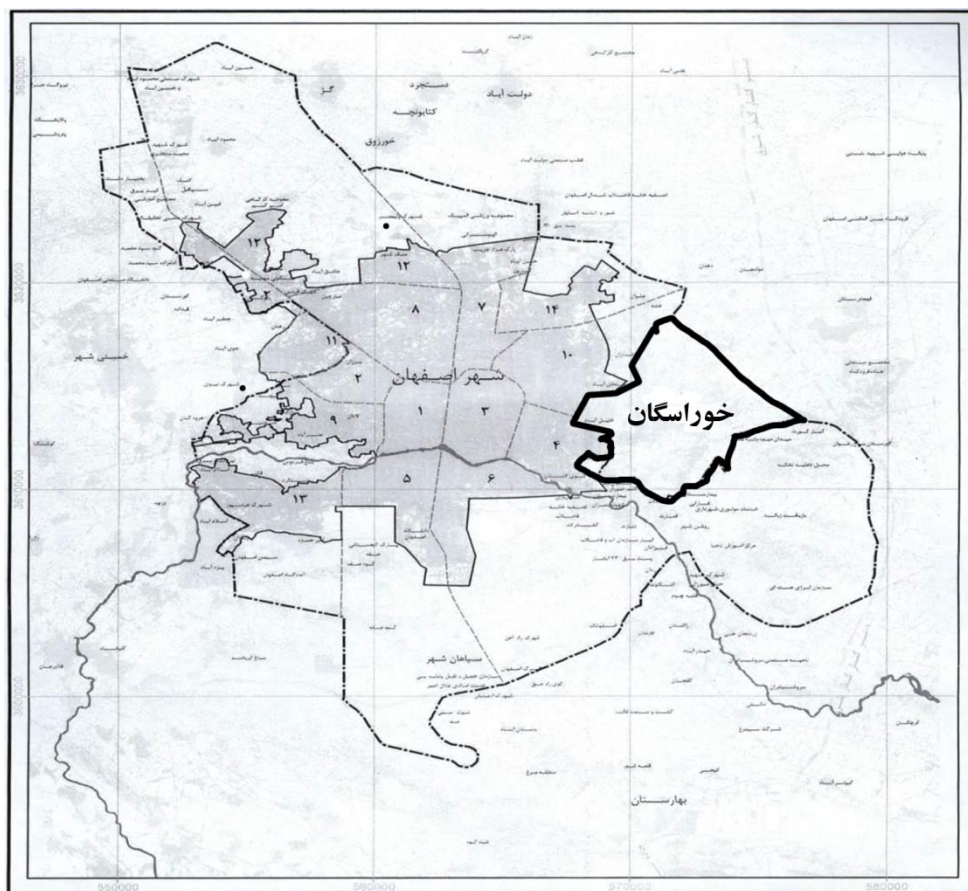
توسعه و گسترش شهری به شکل‌های مختلفی اتفاق می‌افتد. یکی از رایج‌ترین شیوه‌ها در گسترش شهری، افزایش محدوده‌های شهری از طریق الحاق یک شهر به شهر دیگر است. در فرایند الحاق یک یا چند عنصر سکونتی یا فعالیتی (روستا، شهرک، شهر، اراضی صنعتی، کشاورزی و ...) به پیرامون شهر بزرگ‌تر ملحق می‌شود. به موجب مصوبه هیأت دولت در تاریخ ۱۳۹۲/۱/۱۸ شهر خوراسگان به شهر اصفهان ملحق و سپس به نام شهرداری منطقه ۱۵ اصفهان به رسمیت شناخته شد. برای افزایش مزایای ناشی از این الحاق لازم است راهبردها و الزامات الحاق دو شهر بررسی قرار شود تا معایب احتمالی این الحاق به حداقل کاهش یابد و در مقابل با برنامه‌ریزی و مدیریت بهتر بیشترین مزیت ایجاد شود. هدف این است که با استفاده از مدل کاربردی (SWOT) امکانات و محدودیت‌های الحاق دو حوزه شهری اصفهان و خوراسگان بررسی و در نهایت راهبردهای اثر بخش تر نمودن این الحاق ارائه شود. در مدل (SWOT) که یک ابزار استراتژیک محسوب می‌شود، ابتدا عوامل موثر در موضوع برنامه‌ریزی به عوامل محیط درونی شامل نقاط قوت و نقاط ضعف و عوامل بیرونی شامل فرصت‌ها و تهدیدها تقسیم می‌شود و سپس بر اساس بررسی‌های اولیه راهبردهای تهاجمی، تنوع، بازنگری و تدافعی تعیین و ارائه می‌شود. نتایج ناشی از این تحقیق نشان می‌دهد که مزیت‌های الحاق شهر خوراسگان به شهر اصفهان از محدودیت‌های آن بیشتر است به طوری که میانگین وزنی امتیازات نقاط قوت و فرصت‌ها به ترتیب ۱۹۰ و ۱۸۱/۱۴ و میانگین وزنی نقاط ضعف و تهدیدها ۱۶۳/۳ و ۱۵۲ امتیاز است.

واژه‌های کلیدی: گسترش شهری، مدیریت شهری، الحاق، مدل SWOT، شهر اصفهان، شهر خوراسگان.

مقدمه و طرح مساله

گسترش شهر - منطقه‌ها با سه دسته تحولات شامل تحولات اقتصادی - اجتماعی، تحولات الگوهای توسعه فضایی و تحولات برنامه‌ریزی و مدیریت شهری ارتباط دارد (مهدی‌زاده، ۱۳۸۳، ۲۷-۲۳). گسترش شهری یا با خزش فعالیت و سکونت به پیرامون و یا از طریق الحاق سکونتگاه‌های پیرامونی به شهر بزرگتر اتفاق می‌افتد. خزش فعالیت و سکونت (تحول فضایی) یک گسترش غیر ارادی است که معمولاً نواحی پیرامونی کلان شهرها را دچار اغتشاش فضایی نموده و قابلیت توسعه آنها را کاهش می‌دهد (صرامی، ۱۳۸۳: ۷). در این گونه گسترش، مدیریت شهری در عمل انجام شده قرار می‌گیرد و در بسیاری مواقع برای جلوگیری از تبعات ناشی از تلمبار شدن مشکلات موجود در نواحی پیرامونی با هدف جلوگیری از شکل‌گیری بحران‌های اجتماعی به اجبار به الحاق سکونتگاه‌ها و عرصه‌های فعالیتی - که در بسیاری مواقع از نوع غیر رسمی هستند - به شهر بزرگتر موافقت می‌کند. اما در گونه دوم (گسترش ارادی از طریق الحاق)، هرچند واحدهای مسکونی و فعالیتی ممکن است فضای بین دو سکونتگاه را مخدوش نموده باشند، اما تصمیم نهایی برای الحاق، ناشی از یک اجبار نیست، بلکه هدف بهره‌مندی از مزایای ناشی از الحاق است که با حمایت نهادهای مسئول و ساکنان اتفاق می‌افتد. این دو گونه گسترش به دفعات در ایران و جهان اتفاق افتاده و به دنبال آن شهرها و روستاهای کوچک و بزرگی در شهر بزرگتر ادغام شده‌اند. نام بسیاری از محلات فعلی در شهرهای بزرگ یادآور همین سکونتگاه‌های الحاق شده است.

به شهر اصفهان نیز تا کنون سکونتگاه‌های زیادی ملحق شده است که از آن جمله مهمترین آن‌ها می‌توان به شهر رهنان، روستاهای واقع در محور آتشگاه (نصرآباد، کارلادان، آزادان، زهران، جوان و ...) و محور زینیه (سودان، باطان، ارزنان، دارک و ...)، و ... اشاره نمود. آخرین سکونتگاه الحاق شده به شهر اصفهان شهر خوراسگان است. این شهر به واسطه نزدیکی به شهر اصفهان از گذشته تعاملات اجتماعی و فعالیتی زیادی با اصفهان داشته است. در چند دهه اخیر خزش دو شهر به سمت یکدیگر باعث شده عملاً فاصله کالبدی دو شهر از بین برود و شهر خوراسگان در دل حریم شهر اصفهان جای گیرد و این امر عدم تناسب‌هایی را در خط محدوده و حریم دو شهر ایجاد نماید (نقشه شماره ۱). برای الحاق سکونتگاه‌های پیرامونی مزایا و معایب زیادی بیان شده است که از جمله مزایای آن به تحقق مدیریت یکپارچه شهری، ارتقا کیفیت برنامه‌ریزی شهری، واقعی شدن محدوده‌های شهری، بهبود کیفیت خدمات رسانی به محدوده‌های الحاق شده، افزایش تعاملات فرهنگی و اجتماعی محدوده‌های الحاق شده و ... اشاره شده است. در مقابل مخالفان الحاق، معایبی چون از بین رفتن ارزش‌ها و هویت‌های بومی و محلی، افزایش سرعت گسترش شهری و از بین رفتن زمین‌های کشاورزی، افزایش بورس بازی زمین، افزایش بوروکراسی، افول مراکز قدیمی شهرها و ... را بیان می‌کنند. بدین ترتیب لازم است در یک فضای علمی و به دور از هر نوع تعصب و احساسات عامیانه این موضوع مورد بحث و بررسی قرار گیرد.



شکل شماره ۱- محدوده قانونی و حریم شهر اصفهان و موقعیت شهر خوراسگان

اهمیت و ضرورت

مدیریت شهری به نیازهای اجتماعی، اقتصادی، اکولوژیکی و ... در بستر فضای شهری پاسخ می‌دهد. عدم انطباق قلمرو نهادی (سازمانی-اداری) با قلمرو فضایی-عملکردی شهرهای بزرگ را می‌توان به عنوان یکی از چالش‌های بزرگ مدیریت یکپارچه شهری دانست. در شرایط عدم وجود مدیریت یکپارچه برخی مشکلات نظیر خزش شهری، حفاظت محیط زیست و ... تشدید و نارسایی‌های خدماتی در حوزه‌های حمل و نقل شهری، جمع‌آوری زباله و حفظ بهداشت و ... به جای حل و فصل از یک نقطه به نقطه دیگر جا به جا می‌شوند (قالیباف و دیگران، ۱۳۹۲، ۵۹). برای اعمال مدیریت

یکپارچه برخی مواقع یک سکونتگاه به سکونتگاه دیگر الحاق می‌شود. در چنین شرایطی برای حصول به توفیق لازم، فراهم نمودن بسترها و زمینه‌ها لازم است.

به دنبال درخواست و مصوبات شوراهای شهر اصفهان و خوراسگان برای ادغام این دو شهر^۱ هیأت وزیران در جلسه مورخ ۱۸ فروردین ماه ۹۲ بنا به پیشنهاد وزارت کشور و به استناد ماده ۱۳ قانون تعاریف و ضوابط تقسیمات کشوری، مصوب سال ۱۳۶۲ و با رعایت بند ۱ تصویب‌نامه شماره

^۱ - در سال ۱۳۸۹ شورای شهر اصفهان و در ابتدای سال ۱۳۹۱ شورای شهر خوراسگان این الحاق را تصویب نمودند (www.alef.ir)

۳۸۸۵۴/۱۵۸۸۰۲ مورخ یک بهمن ماه ۱۳۸۶ الحاق شهر خوراسگان اصفهان به شهر اصفهان را مصوب نمود (www.nasle-farda.ir). به موجب این مصوبه در ۲۴ خرداد ۱۳۹۲ انتخابات شورای اسلامی این دو شهر به صورت واحد و با عنوان حوزه انتخابیه اصفهان برگزار شد و پس از مدت کوتاهی در مرداد ماه ۱۳۹۲ نیز نام شهرداری منطقه ۱۵ بر روی شهرداری خوراسگان گذاشته شد. اما هر تغییری می‌تواند متضمن پیامدهای مثبت و یا منفی باشد. لذا لازم است با بررسی دقیق و کارشناسانه و با بهره‌گیری از آرا و نظرات صاحب نظران، به اتخاذ تدابیری اقدام نمود تا پیامدهای منفی الحاق به حداقل و مزایای آن به حداکثر افزایش یابد. ضرورت انجام این مقاله با عنوان «راهبردها و الزمات در الحاق شهر خوراسگان به اصفهان» در این فضای فکری شکل گرفته است.

اهداف تحقیق

هدف اساسی این مقاله، بررسی معایب و مزایای الحاق دو محدوده ی شهری اصفهان و خوراسگان است. اهداف خرد این پژوهش نیز عبارت است از:

- ۱- معرفی مهمترین مشکلات پیش روی الحاق دو شهر اصفهان و خوراسگان
- ۲- معرفی تدابیر لازم برای پیش‌گیری و حل مشکلات ناشی از الحاق دو محدوده ی شهری اصفهان و خوراسگان.

پیشینه تحقیق

با توجه به این شهر خوراسگان به تازگی به شهر اصفهان الحاق شده است (در بهار ۱۳۹۲)، این اولین

پژوهشی است که در خصوص الحاق شهر خوراسگان به شهر اصفهان تهیه شده است و پژوهش دیگری در این زمینه انجام نشده است. اما اگر دایره موضوع تحقیق را به موضوعاتی چون حریم و حوزه نفوذ شهرها، مدیریت یکپارچه شهری، مدیریت کلانشهرها و... گسترش دهیم می‌توانیم به پژوهش‌هایی اشاره کنیم.

متوسلی و اسماعیل زاده (۱۳۸۵) در مقاله خود با عنوان رشد و پراکنش جمعیت در مناطق کلان شهری (نمونه موردی: منطقه کلان شهری تهران) چالش‌های مناطق کلان شهری به ویژه رشد و پراکندگی جمعیت و فعالیت، روند رشد کالبدی شهرها، نحوه توزیع امکانات، رشد و توسعه اقتصادی و ... را با روش توصیفی-تحلیلی بررسی نموده و لزوم کنار گذاشتن دیدگاه‌های شهر ستیزانه و جایگزین نمودن تفکر برنامه ریزی و مدیریت توسعه کلان شهرها به منظور زیست پذیر نمودن محیط‌های شهری برای تمام گروه‌های اجتماعی با اتکا به توسعه پایدار از طریق مشارکت فراگیر شهروندان را پیشنهاد نموده است.

فرجی راد و کاظمیان (۱۳۹۱) با اعتقاد به این مطلب که هرگونه برنامه و سیاست توسعه ای در سطح محلی و منطقه ای باید مبتنی بر پایه‌های نظری قوی صورت گیرد و انجام هرگونه اقدام بدون پشتوانه نظری نتیجه‌ای جز ناپایداری و از هم گسیختگی بیشتر اجتماعی، اقتصادی و محیطی را به دنبال نخواهد داشت؛ به نقد و تحلیل سیاست‌های توسعه منطقه‌ای برگرفته از مکتب‌های نئوکلاسیک، کینزی، ساختاری، سنتی و ... پرداخته و در نهایت با هدف معرفی رویکرد نهادی در توسعه محلی و

بررسی قرار داده و اقدامات لازم برای سه دوره زمانی پیش از الحاق، کارهای زمان الحاق و کارهای بعد از دوره الحاق را تعیین نموده است.

جینداف (۱۳۹۰) به بررسی قلمرو مفهومی مادر شهر، رخدادهای نوین جهانی و تأثیر آنها بر محیط‌های شهری و ... پرداخته است. این پژوهشگر تجارب کشورهای انگلستان، استرالیا و کانادا را در مدیریت کلان شهرهای منچستر، ملبورن و تورنتو با روش توصیفی-تحلیلی مورد بررسی قرار داده و در پایان این نتیجه را مطرح می‌کند که رشد پیچیده‌ی ساختار مادر شهرهای چند هسته‌ای ناشی از نحوه‌ی تعامل و ارتباطات آنها با جریان‌های داخل و خارج از مرزهای مادر شهر است.

قالیباف و دیگران (۱۳۹۲) با روش توصیفی-تحلیلی به بررسی نقش مدیریت یکپارچه و تقسیمات صحیح شهری در مدیریت بهتر و بهبود ارائه خدمات به شهروندان پرداخته و به این نتیجه رسیده است که دستیابی به توسعه یکپارچه و پایدار شهری و نیز خدمات رسانی هماهنگ و یکپارچه به فضای شهری در گرو مدیریت یکپارچه فضای شهری و تقسیمات فضای شهری است.

فرضیه‌ها و سوال‌ها

فرضیه اول: به نظر می‌رسد مجموعه امکانات (نقاط قوت و فرصت‌ها) الحاق شهر خوراسگان به شهر اصفهان از مجموعه محدودیت‌های آن (نقاط ضعف و تهدیدها) بیشتر باشد.

فرضیه دوم: با الحاق شهر خوراسگان به اصفهان کیفیت برنامه‌ریزی و مدیریت شهری در محدوده‌ی اصفهان بزرگ ارتقا می‌یابد.

منطقه‌ای (مبتنی بر رویکردهای پایین به بالا) به معرفی مزایای این رویکرد در توسعه محلی و منطقه‌ای پرداخته و آن را بهترین رویکرد توسعه معرفی می‌کنند.

هاشمی و دیگران (۱۳۹۰) با روش راهبردی-فراتحلیلی به بررسی سیاست‌های مدیریتی در کشورهای مختلف پرداخته و با اشاره به مشکلات مناطق کلان شهری، داشتن نگاه نو به ساختار مدیریت شهری را ضروری دانسته و مدیریت یکپارچه شهری را پیشنهاد می‌کنند. پژوهشگران در این اثر تجارب کشورهای انگلستان، فرانسه، مالزی، اندونزی، کانادا و ترکیه مورد بررسی قرار داده‌اند.

مهندسان مشاور نقش جهان پارس (۱۳۸۵) ابعاد مختلف کالبدی، جمعیتی، اقتصاد، فعالیت و سکونت و ... حریم شهر اصفهان را با روش توصیفی-تحلیلی مورد بررسی قرار داده و در پایان برای حریم مدیریت آن برنامه ارائه داده‌اند. این مهندس مشاور با تقسیم حریم شهر اصفهان به ۱۷ ناحیه، معین نموده است که در هر ناحیه انجام چه فعالیت‌هایی مجاز، مجاز مشروط و ممنوع است.

اذانی و دیگران (۱۳۹۰) به بررسی اثرات متقابل حوزه شهری اصفهان و رهنان و گسترش‌های شهری حاصل از افزایش جمعیت رهنان با روش توصیفی-موردی، تحلیلی و استفاده از مدل SWOT پرداخته است و نتیجه عدم تعادل‌های حاصل از گسترش فیزیکی مانند تخریب اراضی و ضعف در تأمین خدمات را مورد بررسی قرار داده است.

تامپسون (۲۰۰۸) با روش توصیفی-تحلیلی شهرهای الحاق شده و یا خواهان الحاق در محدوده ایالت کالیفرنیا در کشور ایالات متحده آمریکا را مورد

مهمترین سؤال تحقیق عبارت است از این که: مزایا، معایب و الزامات الحاق خوراسگان به شهر اصفهان کدام است؟

روش تحقیق

روش گردآوری اطلاعات در این مقاله مبتنی بر مطالعات اسنادی، کتابخانه‌ای و میدانی است. با پذیرش این که موضوع مقاله یک تحقیق کیفی است و لذا بر توصیف‌های روایتی و تشریحی استوار است، استدلال به کار رفته استدلال قیاسی است و در آن بر قضایای کلی و اهداف و معیارهای پذیرفته شده مانند: گسترش عدالت در بهره‌مندی از امکانات و خدمات شهری، افزایش مشارکت مردم در برنامه ریزی و مدیریت شهری؛ کارآیی و انعطاف پذیری؛ واقع گرایی، کارآیی، حفظ تعادل و توازن محیط‌های شهری؛ حفظ ارزش‌های کالبدی و ... تأکید شده و سعی شده است با روش توصیفی-تحلیلی و استفاده از آثار مرتبط با موضوع تحقیق، امکانات و مشکلات الحاق شهر خوراسگان به شهر اصفهان شناسایی، دسته بندی و اولویت بندی شود. در این راستا یکی از بهترین مدل‌ها که همزمان امکانات و محدودیت‌های یک نظام را در یک محیط واقعی شناسایی می‌کند، مدل SWOT است. SWOT حرف اول چهار کلمه انگلیسی با معادل فارسی قوت، ضعف، فرصت و تهدید است (زیاری، ۱۳۸۳: ۲۳۸). این مدل ابتدا در بخش تجاری مورد استفاده قرار گرفت. اما با توجه به شرایط متغیر و پیچیده موجود در شهرها به تدریج برای برنامه‌ریزی شهری نیز مورد استفاده قرار گرفت (آرمسترانگ، ۲۰۰۵: ۳).

(Armstrong, 2005,3). در این مدل که یک ابزار استراتژیک محسوب می‌شود، ابتدا عوامل موجود و موثر در موضوع برنامه ریزی به عوامل محیط درونی شامل نقاط قوت و نقاط ضعف و عوامل بیرونی شامل فرصت‌ها و تهدیدها تقسیم می‌شود. رایج ترین کاربرد این مدل فراهم آوردن یک چارچوب منطقی برای هدایت نظام مند بحث‌های سیستم، ارائه راهبردهای مختلف و در نهایت انتخاب بهترین راهبرد عمل است. منطق رویکرد مذکور این است که راهبرد اثر بخش، باید قوت‌ها و فرصت‌های سیستم را به حداکثر برساند و ضعف‌ها و تهدیدها را به حداقل کاهش دهد. در این راستا نقاط قوت مورد حمایت قرار می‌گیرند، نقاط ضعف اصلاح یا متوقف می‌شوند و فرصت‌ها در اولویت قرار داده می‌شوند و یا بهینه می‌شوند، و تهدیدها به حداقل کاهش می‌یابند. این روش چنانچه به وسیله ی کارشناسان مسلط بر محیط برنامه ریزی به کار رود، نتایج بسیار خوبی برای انتخاب و طراحی راهبردهای اثر بخش به دنبال خواهد داشت (حکمت نیا و موسوی، ۱۳۸۵: ۲۹۳).

برای تشخیص امکانات و محدودیت‌های درونی و بیرونی الحاق خوراسگان به اصفهان از نظرات سه گروه استفاده شده است. گروه اول و گروه دوم مربوط به اعضای شورای اسلامی شهر اصفهان و خوراسگان و گروه سوم مربوط به کارشناسان خبره در حیطه برنامه‌ریزی و مدیریت شهری است. بدین منظور تعداد ۵۸ پرسشنامه که در طیف سنجش لیکریت تهیه شده بود در بین این مسؤولان و کارشناسان توزیع و نتایج آن مورد استفاده قرار گرفت.

معرفی متغیرها و شاخص‌ها

متغیرهای اصلی مورد بررسی این مقاله در چهار گروه نقاط قوت و نقاط ضعف، فرصت‌ها و تهدیدها بیان شده است. میزان اثر گذاری هر یک از عوامل تحت عنوان «نقطه قوت، نقطه ضعف، فرصت‌ها و تهدیدها» از پرسش شونده بدین گونه، پرسیده شده است: «به نظر شما میزان اثر گذاری هر یک از عوامل زیر به عنوان نقطه قوت/نقطه ضعف/فرصت/تهدید در الحاق شهر خوراسگان به شهر اصفهان چقدر است؟» این متغیرها که از نوع متغیرهای کیفی هستند با مفاهیم کیفی «خیلی زیاد، زیاد، متوسط، کم و خیلی کم» در قالب طیف لیکرت (حافظ نیا، ۱۳۸۷، ۱۵۳) ارزش گذاری شده اند. در همین راستا برای این که این مفاهیم ارزشی به مفاهیم قابل اندازه گیری و کمی تبدیل شوند، به هر یک از مفاهیم ارزش عددی داده شد. به طوری که به پاسخ‌های با اثر «خیلی زیاد ارزش ۵، به پاسخ‌های زیاد ارزش ۴، به پاسخ‌های با اثر متوسط ارزش ۳، به پاسخ‌های با اثر کم ارزش ۲ و به پاسخ‌های با اثر خیلی کم ارزش ۱» داده شد. پس از آن با توجه به تعداد اظهار نظرها در خصوص هر یک از متغیرها در مرحله پیمایش (پرسشگری از صاحب نظران و مسئولان)، مجموع ارزش کمی (وزن) هر یک از متغیرها استخراج و بر همین اساس رتبه و وزن نسبی آن‌ها محاسبه شد. این شیوه کار این امکان را نیز فراهم نمود که شاخص میانگین هر گروه (مربوط به دسته بندی متغیرها در قالب نقاط قوت، نقاط ضعف، فرصت‌ها و محدودیت‌ها) قابل محاسبه و در نتیجه شاخص‌های میانگین هر گروه عوامل نیز مقایسه پذیر شود.

تقسیمات درونی و روابط بیرونی سازمان فضایی

اصفهان بزرگ (اصفهان، خوراسگان و ...)

روابط متقابل نهادهای اجتماعی و اقتصادی در بستر ساختارهای محیطی اشکال خاصی از مناسبات، روابط و الگوهای فعالیتی، سکونتی و سازمان فضایی را به وجود می آورد. سازمان فضایی اصفهان بزرگ (اصفهان، رهنان، خوراسگان و ...)، در تعامل مجموعه عوامل درونی این ساختار با مجموعه عوامل بیرونی (فراشه‌ری) آن قابل توجیه و تفسیر است. بدین ترتیب توان گفت که اصفهان بزرگ در واقع حاصل تلاقی میان دو سیستم مجموعه شهری (کلان سیستم) و شهر اصفهان (خود سیستم) است.

قلب و مغز متفکر تحولات حاکم بر محدوده کلان شهر اصفهان، شهر اصفهان است. جمعیت شهر اصفهان بر اساس سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن سال‌های ۱۳۵۵، ۱۳۶۵، ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰؛ به ترتیب ۶۶۱۰۰۰، ۹۸۶۰۰۰، ۱۲۶۶۰۰۰ و ۱۶۰۲۰۰۰ و ۱۷۹۷۰۰۰ نفر بوده است (جدول شماره ۱). بر همین اساس نرخ رشد جمعیت شهر در فاصله سال‌های ۹۰-۵۵ به طور متوسط حدود ۲/۹ درصد بوده است. مساحت شهر اصفهان در طرح بازنگری طرح تفصیلی اصفهان حدود ۱۸۰۰۰ هکتار اعلام شده است. وسعت حریم شهر اصفهان بر اساس مصوبه قانونی حدود ۴۷۰۰۰ هکتار است.

مهمترین عناصر بیرونی موثر در ساختار فضایی شهر اصفهان محورهای طبیعی و مصنوعی و شهرها و مراکز فعالیت بزرگ مجاور هستند. مهمترین محور طبیعی موثر در ساختار شهر اصفهان رودخانه زاینده رود و مادی‌های (نهرهای) منشعب از آن است. محورهای مصنوعی (محورهای ارتباطی) موثرترین راه

ارتباط شهر اصفهان با مراکز بزرگ فعالیتی و سکونتی در خارج محدوده ی شهر اصفهان هستند. مهمترین محورهای مصنوع موثر در ساختار فضایی شهر اصفهان محورهای اصلی ورودی شهر اصفهان شامل ورودی تهران (محور شمال)، ورودی شیراز (محور جنوب)، ورودی شهرکرد (محور جنوب غرب)، ورودی یزد (محور شرق) و محور نجف آباد (آتشگاه) است. علاوه بر این و با اهمیت کمتر؛ محورهای امام خمینی (شاهین در شمال غرب)، محور اشرفی اصفهانی (خمینی شهر در شمال غرب)، بعثت (دولت آباد در شمال)، زینیه (حبیب آباد در شمال شرق)، مشتاق و محور آبشار (جرقویه و برآن در شرق) و دو کنار گذر شرقی و غربی اصفهان همگی بر ساختار و سازمان فضایی شهر اصفهان اثر داشته و هر کدام منشا شکل گیری و یا گسترش مراکز سکونتی و فعالیتی عمده‌ای در محدوده اصفهان بزرگ به شمار می‌آیند.

شهرها و مراکز فعالیت بزرگ مجاور نیز از جمله اثر گذار ترین عناصر ساختار فضایی به شمار می‌روند. از مهمترین شهرهای موثر در ساختار فضایی شهر اصفهان که موضوع تحقیق نیز با آن ارتباط دارد شهر خوراسگان است. وجود گورستان باغ رضوان، میدان میوه و تره بار و تأسیسات و تجهیزات شهری در نزدیکی این شهر از سویی و مراکز مهم آموزش عالی (دانشگاه خوراسگان) و صنایع بزرگ (کارخانه قند) در پیرامون شهر خوراسگان از مهمترین عواملی هستند که سبب ایجاد رابطه و تعامل میان شهر اصفهان و شهر خوراسگان شده‌اند.

شهر خوراسگان در شرق اصفهان و در دو طرف بزرگراه جی - که شهر اصفهان را به استان های جنوبی و شرقی کشور متصل می‌نماید- قرار دارد. جمعیت شهر خوراسگان بر اساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال‌های ۱۳۵۵، ۱۳۶۵، ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰؛ به ترتیب ۳۱/۰۹۵، ۵۱/۰۰۵، ۶۵/۶۹۹ و ۸۷/۲۸۲ و ۹۷/۱۶۵ نفر بوده است. نرخ رشد جمعیت شهر در فاصله سال‌های ۹۰-۵۵ به طور متوسط حدود ۳/۳ درصد بوده است. سطح محدوده قانونی شهر خوراسگان برابر با طرح تفصیلی مصوب حدود ۴۷۵ هکتار است (جدول شماره ۱).

شهرداری این شهر در سال ۱۳۴۳ تأسیس شد و بنا بر اعلام دفتر آمار و فناوری اطلاعات وزارت کشور (سال ۱۳۹۱) دارای درجه ۸ در بین شهرداری های کشور است^۲. این شهر دارای ۴۰ محله و مجموعه مسکونی است. محله‌های این شهر به ترتیب حروف الفبا عبارتند از: اباذر، ابهر، ارداجی، ارغوانیه، اریسون، اندوان، بانو مهدی، بانو مهدی (مسجد حضرت حمزه) بوزان، پزوه، جی شیر^۳، خاتون آباد، خانقاه، خیابان، درب سیبه، دهنو، راران، ستار، ستاره، سفلی، سلطان آباد، سلمان، سمسور، سنجوانمره، علی ابن موسی الرضا (ع)، علیا، قصر، قلعه برتیانچی، قلعه نو، گلستان، گورت، گیان، افزوان، مسجد علی، نارون (مسجد محمدی)، نارون (موسی

۲ - بر همین مبنا شهرداری اصفهان که در سال ۱۳۰۷ تأسیس شد دارای درجه ۱۲ شهری است (وزارت کشور، ۱۳۹۰).

۳ - روستاهای جی شیر، گورت، راران، خاتون آباد، دهنو، قلعه برتیانچی، هیستان، سنجوانمره، قلعه نو، گیان و اندوان به موجب مصوبات شورای برنامه ریزی و توسعه استان به تاریخ‌های ۱۳۸۵/۶/۲۵ و ۸۵/۷/۲۲ به صورت نقاط منفصل به محدوده شهر خوراسگان الحاق شد (شهرداری خوراسگان، ۱۳۹۲: ۹۴).

بن جعفر (ع)، همدانیان و محله هیستان، و
مجموعه‌های مسکونی بانک ملی، امام حسین (ع)،
نور، و مجموعه مسکونی مروارید و ... (شهرداری
خوراسگان، ۱۳۹۲: ۱۴).

جدول شماره ۱- جمعیت و مساحت شهرهای اصفهان و خوراسگان در ادوار گذشته

شرح وضعیت	جمعیت (هزار نفر)					رشد جمعیت (درصد)			وسعت (هکتار)		
	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۵	۱۳۸۵	۱۳۹۰	-۶۵	-۸۵	۸۵-۹۰	سال ۱۳۹۰	سال ۱۳۸۰	سال ۱۳۷۰
اصفهان	۶۶۱	۹۸۶	۱۲۶۶	۱۶۰۲	۱۷۹۷	۴.۱	۲.۵۳	۲.۳۲	۲۰۰۰۰	۱۵۰۴۱	۴۶۰۰
خوراسگان	۳۱/۰۵	۵۱	۶۵/۷	۸۷/۲۸	۹۷/۱۶	۵.۱	۲.۶	۲.۲	۴۷۵	۳۵۰	۱۱۹

مأخذ: سرشماری‌های نفوس و مسکن سال‌ها ۵۵، ۶۵، ۷۵، ۸۵، ۹۰ و طرح‌های توسعه شهری شهرهای خوراسگان و اصفهان (جامع و تفصیلی اصفهان و هادی و جامع خوراسگان ۱۳۷۳ و ۱۳۹۰؛ شفقی، ۱۳۸۱ و <http://www.udro.org.ir>).

مفاهیم، دیدگاه‌ها و مبانی نظری

تعاریف و مفاهیم

خزش شهری^۱: خزش شهری به معنی گسترش فضایی بی رویه و نامنظم ساخت و سازهای کلان شهر است که در نتیجه جابجایی و تغییر مکان فعالیت‌ها و جمعیت از شهر مرکزی به طرف خارج شهر و پخش شدن آن‌ها در نواحی حومه ای ظاهر می شود. پیامدهای عمده ناشی از الگوی خزش تفرق نظام مقررات کاربری زمین و عدم در نظرگیری تصمیم گیری نواحی هم جوار؛ گسترش بی رویه شهری؛ و مشکلات زیست محیطی موثر بر کل منطقه کلان شهری است (صرافی، ۱۳۸۳: ۴۲).

حریم شهر^۲: بر اساس قانون تعاریف محدوده و حریم شهر، روستا و شهرک و نحوه تعیین آن‌ها مصوب ۱۳۸۴ حریم شهر عبارت است از قسمتی از

اراضی بلافصل پیرامون محدوده شهر که نظارت و کنترل شهرداری در آن ضرورت دارد و از مرز تقسیمات کشوری شهرستان و بخش مربوط تجاوز ننماید (حسینی، ۱۳۹۰: ۱۶۲).

حومه شهری^۳: منظور تمام-فضاها، مکان‌ها، و فعالیت‌هایی است که در قلمرو حوزه نفوذ مستقیم یک مادر شهر یا شهر مرکزی قرار می‌گیرد. حومه‌ها به اشکال مختلف کالبدی-فضایی مانند روستا، شهرک، روستاشهر، مجتمع صنعتی یا خدماتی و مانند آن‌ها دیده می‌شود (پاپلی یزدی و رجبی سناجردی، ۱۳۸۲: ۵۴).

محدوده شهر^۴: بر اساس قانون تعاریف محدوده و حریم شهر، روستا و شهرک و نحوه تعیین آن‌ها مصوب ۱۳۸۴ محدوده شهر عبارت است از حد کالبدی موجود شهر و توسعه آتی در دوره طرح

3- Urban suburban
4- City Limits

1 - Urban creep
2 - Privacy city

جامع و تا تهیه طرح مذکور در طرح‌های شهر که ضوابط و مقررات شهرسازی در آن لازم الاجرا است (حسینی، ۱۳۹۰: ۱۶۱).

تفرق سیاسی^۱: تفرق سیاسی به معنی وجود تعداد زیادی از قلمروهای حکومتی درون یک منطقه کلان شهری واحد و حاکی از این است که هر قلمرو یا حکومت محلی دارای حق، اختیار و صلاحیت اظهار نظر در بخشی از قلمرو منطقه یا هر شهر است و هیچ مرجع حکومتی واحدی برای تصمیم‌گیری و عمل در گستره کل منطقه کلان شهری وجود ندارد (هاشمی و دیگران، ۱۳۹۰: ۹۲).

مدیریت شهری^۲: مدیریت شهری تلاش برای هماهنگ کردن اقدامات دولتی و خصوصی برای غلبه بر مشکلات ساکنان شهر است (Dijk and Pieter, 2006:53). همچنین مدیریت شهری را نظام مدیریتی با که وظیفه برنامه‌ریزی، سازماندهی، هدایت، رهبری و کنترل شهر را بر عهده می‌گیرند، می‌دانند (Chakrabarty, 2001:333).

دیدگاه‌ها و مبانی نظری

دیدگاه‌های اوایل قرن بیستم (منطقه‌گرایی سنتی و جنبش اصلاح طلب)

منطقه‌گرایی کلان شهری در اوایل قرن بیستم در ایالات متحده ظهور یافت. این دیدگاه زمانی مطرح شد که شهرهای مرکزی از نیروهای اقتصادی و جمعیتی اشباع شده بودند و نیروهای مازادشان را به

خارج از شهر در حومه‌ها و شهرهای اطراف می‌فرستادند. نگرش این دیدگاه به روند خروج نیروها از شهر مرکزی و خزش در حومه‌ها مثبت بود و آن را برای شتاب بخشیدن به توسعه اقتصادی منطقه ضروری می‌دانست. در این زمان این اعتقاد وجود داشت که ساختار تفکیکی و مدیریت‌های متعدد محلی باعث به هدر رفتن سرمایه‌ها می‌شود. بنابراین دیدگاه ایجاد یک ساختار دولتی متمرکز واحد، موجب کارآمدی اقتصادی در کل منطقه کلان شهری می‌شود و رشد و رقابت بین مجموعه‌های شهری را تنظیم می‌نماید. شیوه‌هایی که برای دست‌یابی به الگوی مورد نظر حمایت می‌شد شامل سه روش الحاق، یکپارچه‌سازی و ادغام بود. در این راستا بر مقولاتی از جمله هدایت تولید، برنامه‌ریزی مسکن، حمل و نقل و پارک‌های منطقه‌ای که هدف آن عقلانی کردن و صرفه‌جویی اقتصادی در مقوله‌های پیش گفته بود، تأکید می‌شد (برنر، ۲۰۰۳: ۵).

دیدگاه‌های بعد از جنگ دوم جهانی در مدیریت

کلان شهری (اصلاح طلب و انتخاب عمومی)

موج دوم فعالیت اصلاح طلبی کلان شهری و عمده نظریه‌های مربوط به مدیریت کلان مربوط به دهه ۱۹۵۰ است. در این زمان شتاب روند شهرنشینی و حومه‌گرایی در مناطق کلان شهری باعث دگرگونی ساختار فضایی این مناطق شده بود و مناطق کلان شهری تک مرکزی به مجموعه‌های کلان شهری چند هسته‌ای تبدیل شده بودند. در چنین شرایطی مکاتب نظری مختلفی در زمینه نحوه اداره مناطق کلان شهری

1- Political fragmentation

2- Urban management

ظهور یافتند. از بین مکاتب مختلف این دوره دو مکتب بیش از دیگر مکاتب مطرح شده اند که عبارتند از: مکتب اصلاح طلب و مکتب انتخاب عمومی.

مکتب اصلاح طلب در ادامه جنبش‌های اصلاح طلب اوایل قرن بیستم شکل گرفت و اوج فعالیت‌های آن مربوط به دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ بود. هدف جریان اصلاح طلبی پس از جنگ جهانی دوم (برعکس منطقه‌گرایی اوایل قرن بیستم) هدایت رشد به خارج از شهر مرکزی و مکان‌یابی در حومه‌ها و نواحی روستایی اطراف نبود، بلکه هدف عمده تنظیم و هدایت الگوهای سکونتگاهی، خوشه‌های صنعتی و سرمایه‌گذاری‌های زیرساختی در موزاییک به هم پیوسته شهری، حومه‌ای و منطقه‌ای در درون یک منطقه کلان شهری بود. آن‌ها ساختار نهادی موجود را که در بردارنده تعداد زیادی نهاد دولتی محلی (از جمله شهرداری‌ها و موسسه‌های تک منظوره) بود، زیر سوال بردند و مشکلات مناطق شهری را به آن نسبت دادند. از نظر آن‌ها مسأله بنیادی و مشکل اصلی همان ساختار تفکیک یافته محسوب می‌شد. رابرت وود به توصیف مسائل ناشی از ناهمخوانی نیازها و منابع پیش روی شهرهای مرکزی و عدم تطابق مرزهای سیاسی با مرزهای اقتصادی پرداخت. جان بالنس و هنری اشمنت مسائل ناشی از تکثر دولت‌های محلی را بدین صورت برشمردند: عدم کنترل، عدم پاسخگویی عمومی، ناتوانی در دستیابی به توافقی همگانی در مورد مسائل منطقه‌ای کلان شهری، برنامه‌های ناسازگار دولت‌های موجود در منطقه و ناتوانی در

مدیریت مؤثر برنامه‌های منطقه‌ای. یکی از مسائل مورد توجه این مکتب، نابرابری مالی بین شهرداری‌های موجود بود. از نظر آن‌ها خدمات عمومی محلی با بی‌عدالتی و نابرابری تقسیم می‌شد که انعکاسی از تفاوت‌های اقتصادی موجود در بین شهرداری‌های مختلف یک منطقه کلان شهری است. از نظر آن‌ها به لحاظ اقتصادی نیز ساختار نهادی تفکیکی باعث بالا رفتن هزینه‌های دولتی و ناکارآمدی اقتصادی می‌شود (هاشمی و دیگران، ۱۳۹۰: ۶۹).

رویکرد یکپارچه‌سازی^۱ که در آن بر حذف شهرداری‌های مستقل درون شهرستان و جایگزینی آن‌ها با حکومت واحد است تأکید می‌شود (با مدل کاربردی کلانشهری)، در قالب این مکتب مطرح می‌شود. حامیان این مدل ویژگی‌های زیر را برای آن بر می‌شمارند:

- ۱- مشروعیت سیاسی بالا؛
- ۲- استقلال کافی متناسب با وظایف؛
- ۳- بهره‌مندی از قلمروی قانونی وسیع؛
- ۴- پوشش قلمرو وابسته تقریباً مشتمل بر ناحیه عملکردی شهری.

نظریه ریچارد تاردانیکو نیز در قالب این مکتب قابل تفسیر است. او معتقد شهر جزیی از یک نظام فرارفتاری و تعاملی است که پیوسته در حال اثر گذاری و تأثیر پذیری است (افروغ، ۱۳۷۳: ۱۳۰).

دیدگاه‌های اخیر در مدیریت کلان شهری (نو منطقه‌گرایی)

دیدگاه نو منطقه‌گرایی در دهه ۱۹۹۰ پس از ۳۰ سال غیبت جدی منطقه‌گرایی در عرصه نظری ظاهر شد. نهضت نو منطقه‌گرایی با بررسی مسائل متعددی که مناطق کلان شهری با آن دست به‌گریبان هستند بار دیگر بر روی ساختار نهادی منفک متمرکز شد. در این الگو به جای تأکید بر ساختارهای نهادی پرحجم بر «فرایندهای همکاری و مشارکت» تأکید می‌شود. در این الگو تأکید زیادی بر نقش نهادهای غیر دولتی از جمله ساختارهای شبکه‌ای غیر رسمی که برخاسته از جامعه مدنی هستند، تأکید شده است. در الگوی حکمروایی کلان شهری وظایف حول دو محور قرار دارد: ۱) توجه به توسعه اقتصادی و نقش منطقه کلان شهری در اقتصاد جهانی (با تشدید مزیت‌های رقابتی آن) ۲) وظایفی که مربوط به قلمروی درونی منطقه است و شامل هم‌اندیشی و چاره‌جویی در مسایل زیست محیطی، خدمات و زیرساخت‌های منطقه‌ای، برقراری عدالت توزیعی و مسائل اجتماعی-فرهنگی با مشارکت تمامی کنشگران است (هاشمی و دیگران، ۱۳۹۰: ۷۲).

یافته‌های تحقیق

با توجه به بررسی‌های به عمل آمده نقاط قوت و ضعف و فرصت‌ها و تهدیدهای الحاق شهر خوراسگان به شهر اصفهان، در جدول‌های شماره ۳ تا ۶ بیان شده است. این عوامل با استفاده از نظرات پرسش‌شوندگان (شورای اسلامی شهر اصفهان،

مکتب دیگری که پس از جنگ دوم جهانی مطرح شد مکتب انتخاب عمومی^۱ است. در این مکتب که درست نقطه مقابل دیدگاه اصلاح طلب است بر حمایت از ساختار نهادی منفک (وضع موجود) و مخالفت با ایجاد ساختارهای بزرگ دولتی تأکید می‌شود. مطابق نظر حامیان انتخاب عمومی، تنها قواعد بازار و مردم هستند که اولویت و ترجیح‌های خود را با حرکت از یک قلمرو حکومتی به دیگری بیان می‌کنند. تفرق محلی یک حسن است زیرا حکومت‌ها را قادر می‌سازد تا با همدیگر و برای ارائه و عرضه خدمات بهتر رقابت کنند (هاشمی و دیگران، ۱۳۹۰: ۶۸ و ۱۰۸).

منطقه‌گرایی انتقادی (نظریه شهر بی‌شناسه رم کولهاس)، در زمره این مکتب قابل تبیین است. او با نفی ایده‌ی «مرکز-حاشیه» و طراحی جامع که بر بسیاری از اذهان حاکم است، فضا را برای طرح ایده‌های منطقه‌گرایی انتقادی آماده می‌کند. منطقه‌گرایی انتقادی - بر خلاف مسیر طی شده از هوسمان تا لوکوربوزیه - بیشتر به دنبال طرح‌های کوچک است تا طرح‌های بزرگ. بر اساس این دیدگاه جز نگر، کلانشهر می‌تواند محل زندگی مجموعه‌ای از انسان‌ها باشد که انواعی از شبکه‌های زندگی شهری را می‌توانند تجربه کنند و این انواع سبک‌ها طبعاً مستلزم ساماندهی‌های متفاوت و دستکاری‌های متنوع خواهد بود (پاپلی یزدی و رجبی سناجردی، ۱۳۸۲: ۱۲۱).

۵- تن دادن به موقع به یک رویداد طبیعی که خواه ناخواه در آینده محقق می‌شود (جدول شماره ۲).

از نظر پرسش شوندگان مهمترین نقاط ضعف الحاق شهر خوراسگان به شهر اصفهان عبارتست از:

- ۱- بی توجهی به نیازهای واقعی مردم و نگاه ایده آلی به محدوده‌های شهری
- ۲- عدم امکان پیش بینی دقیق از اتفاقات آینده
- ۳- تحمیل مدیریت کلیشه ای به تمام شهر وعدم تنوع و پویایی در اداره فضاهای شهری
- ۴- عدم ارائه طرح و برنامه دقیق برای الحاق دوشهر
- ۵- کاهش میزان مشارکت ساکنان شهر خوراسگان به علت از بین رفتن تدریجی هویت‌های بومی مستقل (جدول شماره ۳).

شورای اسلامی شهر خوراسگان و جمعی از کارشناسان خبره شاغل در شهرداری اصفهان و شهرداری خوراسگان) اولویت بندی و وزن دهی شده اند.

بر این اساس مهمترین نقاط قوت الحاق شهر خوراسگان به شهر اصفهان عبارتند از:

- ۱- ارتقای کیفیت برنامه ریزی شهری و تهیه طرح‌های توسعه شهری محدوده
- ۲- کاهش تناقض‌ها در ضوابط و مقررات ساختمانی
- ۳- بهبود وضعیت خدمات رسانی به شهر خوراسگان
- ۴- ایجاد یکپارچگی در مدیریت و در نتیجه افزایش کارایی آن

جدول شماره ۲- اولویت بندی نقاط قوت مؤثر در الحاق شهر خوراسگان به شهر اصفهان

ردیف	نقاط قوت	وزن و رتبه	
		وزن	رتبه
۱	بهبود وضعیت خدمات رسانی به شهر خوراسگان	۲۰۶	۳
۲	ارتقا کیفیت برنامه ریزی شهری و تهیه طرح‌های توسعه شهری مربوط به محدوده شهرهای اصفهان و خوراسگان	۲۲۲	۱
۳	تن دادن به موقع به یک رویداد طبیعی که خواه ناخواه در آینده محقق می‌شود	۱۹۰	۵
۴	واقعی شدن خط محدوده و حریم شهرها	۱۸۰	۷
۵	یکپارچگی در مدیریت یک محدوده که از نظر کالبدی و عملکردی پیوستگی دارد	۲۰۴	۴
۶	افزایش همگرایی‌های اجتماعی	۱۵۵	۹
۷	کاهش تناقض‌ها در ضوابط و مقررات ساختمانی محدوده‌های پیوسته	۲۱۴	۲
۸	ارتقا جایگاه ملی و بین المللی اصفهان	۱۵۶	۸
۹	گام برداشتن به سوی تحقق مدیریت واحد شهری	۱۸۲	۶

مأخذ: یافته‌های میدانی پژوهش

جدول شماره ۳- اولویت بندی نقاط ضعف مؤثر در الحاق شهر خوراسگان به شهر اصفهان

ردیف	نقاط قوت	وزن و رتبه	
		وزن	رتبه
۱	بی توجهی به نیازهای واقعی مردم و نگاه ایده‌آلی به ترکیب فضاهای شهری	۱۷۶	۱
۲	افزایش سرعت گسترش شهری	۱۳۸	۸
۳	تحمیل مدیریت کلیشه‌ای به تمام شهر و عدم تنوع و پویایی در اداره‌ی فضاهای شهری	۱۶۴	۳
۴	از بین رفتن زمین‌های کشاورزی حد فاصل دو شهر و افزایش بورس بازی زمین	۱۰۴	۱۰
۵	افزایش بوروکراسی سخت تر شدن اعمال مدیریت شهری به سبب بزرگ تر شدن محدوده‌های قانونی و خدماتی	۱۳۶	۹
۶	توسعه روز افزون حاشیه‌ها و افول مراکز شهری	۱۴۰	۷
۷	عدم امکان پیش بینی‌های دقیق از اتفاقات آینده	۱۶۶	۲
۸	عدم ارائه طرح و برنامه دقیق برای الحاق دو شهر و طرح تقاضاهای احساسی در این زمینه	۱۶۳	۴
۹	کاهش میزان مشارکت ساکنان خوراسگان به دلیل از بین رفتن تدریجی هویت‌های بومی مستقل از اصفهان	۱۶۰	۵
۱۱	امکانات مالی و اجرایی متفاوت دو شهر	۱۵۲	۶

مأخذ: یافته‌های میدانی پژوهش

۵- استقرار دوشهر در یک محدوده فرمانداری (جدول شماره ۴).

از نظر پرسش شوندگان مهمترین تهدیدهای حاکم بر موضوع الحاق شهر خوراسگان به شهر اصفهان به شرح زیر است:

۱- عدم تحول جدی در کیفیت مدیریت شهری به سبب تعدد قوانین و تشکیلات نهادها و تداخل وظایف آنها عدم وجود نهاد مسئول توسعه همه جانبه شهر

۲- عدم تحول جدی در تأمین خدمات و خواست‌های شهروندان

بر همین اساس مهمترین فرصت‌های موجود الحاق شهر خوراسگان به شهر اصفهان عبارتست از:

۱- امکان استقرار یک مدیریت هماهنگ شهری در شهرهای الحاق شده

۲- وجود گرایش‌های مردمی در الحاق شهر خوراسگان به شهر اصفهان

۳- استقرار شهر خوراسگان در دل حریم شهر اصفهان

۴- تعاملات زیاد فعالیتی در دوشهر اصفهان و خوراسگان

- ۳- افزایش فاصله سطح شهر اصفهان از سطح سایر شهرهای استان و شهرستان وبه هم خوردن بیشتر نظم سلسله مراتبی (سازمان فضایی)
- ۴- کمبود فضاهای عمومی و خدمات شهری در بافت‌های الحاق شده و بروز مشکلاتی مانند انتقال فشار ناشی از نیازهای خدماتی به سایر بافت‌ها به خصوص مرکز شهر و...
- ۵- عدم توجه کافی به اهداف کیفی، عدالت اجتماعی و ارزشهای اجتماعی در پیشنهادات الحاقی (جدول شماره ۵).

جدول شماره ۴- اولویت بندی فرصت‌های مؤثر در الحاق شهر خوراسگان به شهر اصفهان

ردیف	نقاط قوت	وزن و رتبه	
		وزن	رتبه
۱	وجود گرایش‌های مردمی در الحاق دو محدوده مدیریتی شهر اصفهان و خوراسگان	۱۸۸	۲
۲	استقرار دو شهر در یک محدوده فرمانداری	۱۷۶	۵
۳	تعاملات فراوان فعالیتی	۱۷۸	۴
۴	نزدیکی فرهنگی ساکنان دو شهر	۱۶۶	۷
۵	استقرار شهر خوراسگان در دل حریم شهر اصفهان	۱۸۰	۳
۶	امکان استقرار یک مدیریت هماهنگ شهری در شهرهای الحاق شده	۲۱۱	۱
۷	لزوم شکل‌گیری هسته‌های جدید هموزن با هسته‌های شهری موجود در منطقه کلانشهر اصفهان	۱۶۹	۶

مأخذ: یافته‌های میدانی پژوهش

جدول شماره ۳- اولویت بندی تهدیدهای مؤثر در الحاق شهر خوراسگان به شهر اصفهان

ردیف	نقاط قوت	وزن و رتبه	
		وزن	رتبه
۱	افزایش درخواست‌های الحاق دیگر شهرهای همجوار و افزایش تشنگی و سر درگمی مدیریت شهرها	۱۳۶	۱۱
۲	عدم توجه کافی به اهداف کیفی، عدالت اجتماعی و ارزش‌های اجتماعی در پیشنهادات الحاق	۱۶۰	۵
۳	عدم امکان پیش‌بینی پیامدهای واقعی ناشی از الحاق دو شهر	۱۴۵	۸
۴	عدم تحول جدی در تامین خدمات و خواست‌های شهروندان	۱۷۰	۲
۵	عدم تعیین تکلیف موضوع الحاق شهرهای همجوار در طرح‌های فرادست	۱۵۴	۶
۶	سخت‌تر شدن امکان تملک زمین‌های خدماتی به علت افزایش قیمت زمین در حاشیه شهری	۱۴۴	۹

۰/۰۶۴	۱۲	۱۱۷	امکان سوء استفاده از شرایط ناشی از الحاق توسط گروه‌ها و افراد ذی نفع	۷
۰/۰۷۷	۱۰	۱۴۰	عمیق تر شدن فاصله بین مدیریت شهری و شهروندان با اجرای طرح الحاق	۸
۰/۰۹۳	۳	۱۶۹	افزایش فاصله سطح شهر اصفهان از سطح سایر شهرهای استان و شهرستان و به هم خوردن بیشتر نظم سلسله مراتبی	۹
۰/۰۹۵	۱	۱۷۳	عدم تحول جدی در کیفیت مدیریت شهری به سبب تعدد قوانین و تشکیلات نهادهای مختلف و تداخل وظایف آن‌ها و عدم وجود نهاد مسئول توسعه همه جانبه شهر	۱۰
۰/۰۹۲	۴	۱۶۸	کمبود فضاهای عمومی و خدمات شهری در بافت‌های الحاق شده و بروز مشکلاتی مانند انتقال فشار ناشی از نیازهای خدماتی به سایر بافت‌ها به خصوص مرکز شهر و ...	۱۱
۰/۰۸۱	۷	۱۴۸	شکل گیری بافت‌های مساله دار، بی هویت و غیر منسجم و جدا از ساختار اصلی شهر	۱۲

مأخذ: یافته‌های میدانی پژوهش

جمع بندی و نتیجه گیری

وجود الگوهای غیر یکپارچه و بخشی نظام ادراه شهر به تفرق و چندگانگی در ماهیت سیستم مدیریت شهری منجر می‌شود. وجود تفرق در مدیریت شهری نیز، ۵ گونه مشخص از تفرق و چند پارچگی را در زمینه نظری، عملکردی، برنامه ریزی/سیاستی، سیاستی/حکومتی و منافع به وجود می‌آورد. وجود تفرق در حوزه مدیریت و برنامه ریزی شهری به نوبه خود تفرق و چند پارچگی را در نظام شهری به وجود می‌آورد (برک پور و اسدی، ۱۳۹۰: ۱۱۷-۱۰۹).

در عرصه مدیریت شهری وجود نهادهای محلی متعدد و ناهماهنگ باعث رقابت ناسالم می‌شود. تشکیل ساختار یکپارچه دولتی در منطقه کلان شهری به لحاظ اقتصادی برای فراهم سازی خدمات به صرفه تر است. چنین ساختاری با توسل به برنامه‌ها و طرح‌های توسعه شهری یکپارچه، کارایی را افزایش و موجب هماهنگی در توسعه منطقه‌ای می‌شود. یکی از راه‌های ایجاد یکپارچگی در مدیریت، یکپارچگی در مدیریت فضاهای به هم پیوسته است. معمولاً

ایجاد این یکپارچگی (یکپارچگی کالبدی - فضایی)، به یکپارچگی عملکردی، مورفولوژیکی، مدیریتی و ... کمک می‌کند. مدیریت یکپارچه شهری سطوحی مختلفی دارد که از آن جمله می‌توان به یکپارچگی عملکردی، یکپارچگی لایه‌های مدیریت (هماهنگی در سیاستگذاری‌ها و برنامه ریزی‌ها)، یکپارچگی قلمرویی (فضایی) اشاره کرد. سه سطح فوق ارتباط مستقیم و چندگانه‌ای با هم دارند به طوری که نمی‌توان انتظار داشت یکپارچگی عملکردی در مدیریت شهری صورت گیرد، بدون این که در لایه‌های مدیریتی یکپارچگی وجود داشته است و یا یکپارچگی قلمروی ایجاد نشده باشد. به ویژه باید اشاره کرد که یکپارچگی عملکردی مدیریت شهری و یکپارچگی قلمروی (فضایی) شهری ارتباط تنگاتنگی با هم دارند که بدون یکی از آنها شکل گیری دیگری ممکن نیست (قالیباف و دیگران، ۱۳۹۲: ۵۷-۵۶).

تکیه بر فضا و روابط فضایی با توجه به ارتباطی که نهادهای مختلف درگیر در اداره شهر باهم دارند راهی موثر برای یکپارچه سازی اقدامات سیاسی -

راهبردهای تهاجمی (SO)

این نوع راهبردها حاصل توجه به نقاط قوت و فرصت‌های موضوع مورد بررسی است. با توجه به ارائه نقاط قوت و فرصت‌ها در الحاق شهر خوراسگان به شهر اصفهان راهبردهای تهاجمی به شرح زیر قابل ارائه است:

- ۱- تسریع در تهیه طرح توسعه و عمران (جامع) محدوده‌های الحاق شده
- ۲- تسریع در اصلاح مرزها و محدوده‌های مناطق شهری با توجه به الحاق شهر خوراسگان به شهر اصفهان
- ۳- تسریع در اصلاح سازمان اداری و بودجه ریزی شهرداری خوراسگان مطابق با شرایط جدید

راهبردهای تنوع (ST)

راهبردهای تنوع بر تمرکز بر نقاط قوت درونی و تهدیدهای حاکم بر موضوع مورد برنامه ریزی، استوار است. با توجه به اولویت‌های ارائه شده در نقاط قوت و تهدیدهای در الحاق شهر خوراسگان به شهر اصفهان راهبردهای تنوع (ST) به شرح زیر دسته بندی می‌شود:

- ۱- در نظر گرفتن طرح جامع شهر خوراسگان در تهیه طرح توسعه و عمران جدید برای کل محدوده‌های الحاق شده
- ۲- به رسمیت شناختن و موافقت اصولی با مصوبات قدیم شورای اسلامی شهر خوراسگان در محدوده شهر خوراسگان (منطقه ۱۵)
- ۳- استفاده از امکانات کالبدی و خدمات موجود دو شهر برای تأمین نیازهای ساکنان دو شهر

اداری، فرهنگی، محیطی، اقتصادی و اجتماعی است. پیوند ارگان‌های مختلف بر حسب فضای عملکرد آنها، پایه ای برای تشویق سطوح مختلف حکومتی برای کار با یکدیگر و برای شراکت با یکدیگر در موقعیت‌های متنوع است (فریدمن، ۲۰۰۴: ۵۲). بدین ترتیب توان گفت که از لحاظ نظری الحاق شهر خوراسگان به شهر اصفهان باعث افزایش هماهنگی در حوزه‌های اجتماعی، مدیریتی، اقتصادی، محیطی و ... است. نتایج بررسی‌ها در خصوص الحاق شهر خوراسگان به اصفهان دریا پژوهش نشان می‌دهد که الحاق این شهر به اصفهان به مراتب دارای مزیت‌های بیشتری نسبت به محدودیت‌های آن است. بررسی‌های انجام شده در این مقاله نشان می‌دهد که میانگین وزنی امتیازات نقاط قوت و فرصت‌ها به ترتیب ۱۹۰ و ۱۸۱/۱۴ و میانگین وزنی نقاط ضعف و تهدیدها ۱۶۳/۳ و ۱۵۲ امتیاز است (بر اساس جدول‌های شماره ۳ تا ۶).

پیشنهادها و راهبردها

به منظور تقویت و استفاده از نقاط قوت و فرصت‌ها و توقف و کاهش اثرات نقاط ضعف و تهدیدها، لازم است ملاحظات و الزاماتی در نظر گرفته شود. این ملاحظات و الزامات در ادامه در قالب راهبردهای تهاجمی، تنوع، بازنگری و تدافعی در الحاق شهر خوراسگان به شهر اصفهان ارائه می‌شود. با توجه به اولویت بندی انجام شده در مورد هریک از نقاط قوت، نقاط ضعف، فرصت‌ها و تهدیدها (جدول‌های شماره ۳ تا ۶) سعی شده است راهبردهای ارائه شده نیز اولویت بندی و بر اساس اهمیت بیان شوند.

۲- افزایش همگرایی‌ها و تعاملات در جهت بی‌اثر نمودن ناهماهنگی‌ها در قوانین و دستگاه‌های خدمات رسان

۳- مقاومت در الحاق محدوده‌های شهری همجوار در آینده و تأکید بر اجرای طرح‌های فراشهری از جمله طرح مجموعه شهری و طرح توسعه و عمران ناحیه اصفهان و...

(*) این مقاله مستخرج از طرحی که با حمایت مالی دانشگاه پیام نور با عنوان "بررسی راهبردها و الزامات در الحاق شهر خوراسگان به شهر اصفهان" به تصویب رسیده و اجرا شده است.

منابع:

- ۱- اداره کل مسکن و شهرسازی استان اصفهان (بی تا)، خلاصه گزارش توجیهی طرح تجدید نظر در طرح جامع و تفصیلی اصفهان، (بی جا).
- ۲- اذانی، مه‌ری؛ مومنی، مهدی؛ سلطانی، آناهیتا (۱۳۹۰)، ساماندهی و اصلاح حریم شهر اصفهان نمونه موردی: منطقه رهنان، مجله برنامه ریزی فضایی، سال اول، شماره دوم، ۶۶-۴۱.
- ۳- افروغ، عماد (۱۳۷۳)، شهری شدن و توسعه و نظریه شهری پیشنهادی مرکز-پیرامون، مجموعه مقالات سمینار جامعه شناسی و توسعه؛ جلد ۱، سمت، تهران.
- ۴- برک پور، ناصر؛ اسدی، ایرج (۱۳۹۰)، مدیریت و حکمرایی شهری، دانشگاه هنر، تهران.
- ۵- پاپلی یزدی، محمد حسین و رجبی سناجردی، حسن (۱۳۸۲): نظریه‌های شهر و پیرامون، انتشارات سمت، تهران.

۴- استفاده از منابع انسانی موجود در شهر خوراسگان به ویژه برای مدیریت محدوده منطقه ۱۵ خوراسگان.

راهبردهای بازنگری (WO)

راهبردهای بازنگری بر مبنای توجه به نقاط ضعف و بهره‌گیری از فرصتهای موضوع برنامه ریزی انجام می‌شود. راهبردهای بازنگری در الحاق شهر خوراسگان به شهر اصفهان بر اساس اولویت‌های مشخص شده این دو حوزه (نقاط و فرصت‌ها) بدین شرح است.

۱- توجه به نیازهای واقعی خدماتی مردم شهر خوراسگان

۲- تأکید بر تصمیم‌گیری در شورای اسلامی شهر اصفهان به عنوان نماینده در دو محدوده الحاق شده (اصفهان و خوراسگان)

۳- به رسمیت شناختن مشارکت و درخواست‌های محلی مردم شهر خوراسگان در تصمیم‌گیری‌ها و برنامه ریزی‌ها

۴- تهیه طرح دقیق و مرحله بندی شده برای الحاق دو شهر

۵- توجه در شکل‌گیری خدمات مورد نیاز به ویژه خدمات با سطح عملکردی محلی و ناحیه‌ای در محلات و مناطق مختلف شهر به ویژه محلات مختلف شهر خوراسگان

راهبردهای تدافعی (WT)

۱- جلوگیری از وقوع اتفاقات ناگوار اجتماعی (اعتراض‌های خیابانی و ...) از طریق مشاکت پذیری، برنامه ریزی و اعمال مدیریت صحیح علمی

- ۱۵- قالیباف، محمد باقر؛ حافظ نیا، محمد رضا؛ محمد پور، علی (۱۳۹۲): تقسیمات شهر در مدیریت یکپارچه شهری مطالعه موردی: شهر تهران، جغرافیا نشریه علمی-پژوهشی انجمن جغرافیایی ایران، سال یازدهم، شماره ۳۷، ۷۰-۴۷.
- ۱۶- متوسلی، محمد مهدی؛ اسماعیل زاده، حسن (۱۳۸۵)، رشد و پراکنش جمعیت در مناطق کلان شهری (نمونه موردی: منطقه کلان شهری تهران)، فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۱۸، ۷۸-۶۰.
- ۱۷- مرکز آمار ایران، سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن سال‌های ۱۳۵۵، ۱۳۶۵، ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰.
- ۱۸- مهدی زاده، جواد (۱۳۸۳)، تحول در مفهوم، نقش و ساختار کلان شهرها، فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۳۱، ۱۷-۱۸.
- ۱۹- مهندسان مشاور طرح بازنگری طرح تفصیلی اصفهان: سطح، درصد و سرانه ی کاربری طرح تفصیلی مصوب و طرح بازنگری مطالعات مرحله ی اول (ویرایش نخست) بی جا.
- ۲۰- مهندسان مشاور نقش جهان پارس (۱۳۸۵)، طرح توسعه پایدار حریم شهر اصفهان.
- ۲۱- مهندسان مشاور نقش جهان-پارس (۱۳۷۳)، طرح جامع خوراسگان.
- ۲۲- مهندسان مشاور نقش جهان-پارس (۱۳۹۰)، طرح توسعه و عمران (جامع) شهر خوراسگان.
- ۲۳- هاشمی، سید مناف؛ رفیعیان، مجتبی؛ حسین پور، سید علی (۱۳۹۰) سیاست‌های مدیریت در
- ۶- جینداف، ویلیام (۱۳۹۰)، حکمروایی مادر شهر و برنامه ریزی استراتژیک، ترجمه: حمیدرضا رخشانی نسب؛ طاهر پریزادی و مهدی یعقوبی درمیان، نشر نویسنده، اراک.
- ۷- حافظ نیا، محمد رضا (۱۳۸۷)، مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی، انتشارات سمت، تهران.
- ۸- حسینی، سید علی (۱۳۹۰)، مبانی فنی و اجرایی حقوق شهری و منطقه ای در ایران، دریای دانش، رشت.
- ۹- حکمت نیا، حسن و میر نجف موسوی (۱۳۸۵)، کاربرد مدل در جغرافیا با تأکید بر برنامه ریزی شهری و ناحیه ای، انتشارات علم نوین یزد، یزد.
- ۱۰- زیاری، کرامت اله (۱۳۸۳)، اصول و روش‌های برنامه ریزی منطقه ای، انتشارات دانشگاه یزد، یزد.
- ۱۱- شفقی، سیروس (۱۳۸۱): جغرافیای اصفهان، انتشارات دانشگاه اصفهان، اصفهان.
- ۱۲- شهرداری اصفهان (۱۳۹۰)، آمارنامه شهر اصفهان-۱۳۹۱، اصفهان.
- ۱۳- شهرداری خوراسگان (۱۳۹۲)، شمیم خدمت- گزیده ای از عملکرد شهرداری و سومین دوره شورای اسلامی شهر خوراسگان سال ۱۳۸۶ الی بهار ۱۳۹۲، بی جا.
- ۱۴- فرجی راد، خدر؛ کاظمیان، غلامرضا (۱۳۹۱)، توسعه محلی و منطقه ای از منظر رویکرد نهادی، سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی، تهران.

- 27- Chakrabarty, B. k.(2001), Urban Management : Concepts, Principles, Techniques and Education, Cities, Vol. 18, No. 5;
- 28- Dijk, V; Pieter, M.(2006),Managing Cities in Developing Countries : the Theory and Practice of Urban Management, Edward Elgar Publishing; .
- 29- Friedmann, J. (2004), Hong Kong, Vancouver and Beyond: Strategic Spatial Planning and the Longer Range, Planning Theory and Practice, Vol. 5, No,1
- 30- Thompson, Gary(2008), Newly Incorporated Cities successfully Transitioning to Cityhood : A Guide to surviving the post-Incorporation Blues, California Association of Local Agency.
- 31- www.alef.ir
- 32- www.nasle-farda.ir
- 33- www.udro.org.ir
- کشورهای مختلف (رویکرد راهبردی - فراتحلیلی - یکپارچگی شهری)، طحان؛ هله، تهران.
- ۲۴- وزارت کشور، دفتر آمار و فناوری اطلاعات (۱۳۹۰)، آمار درجه، جمعیت و سال تأسیس شهرداری‌های کشور بر اساس جمعیت، سال ۱۳۸۵ و برآورد جمعیتی شهریور ماه ۱۳۸۵.
- 25- Armstrong, J. scott(2005), "The value of Formmal Planning for Strategic Decisions". Strategic Managemant Journal 3:197-211. Doi: 10.1002/smj.4250030303.
- 26- Brenner, Neil. (2003), Metropolitan institutional reform and the Rescaling of state space in contemporary western Europe, European urban and regional studies, 10(4) : 297-324.